

Culture of Honor Belief and Judgements about Perpetrators and Victims of Honor Aggression

Pegah Nejat^{1,*}, Reyhaneh Mirghasemi², Ehsan Zarrinrad², Ali Heirani Tabas³

¹ Assistant Professor, Department of Psychology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

² BA in Psychology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

³ MA in General Psychology, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

ARTICLE INFO

Article History

Received: 29 Feb 2024

Revised: 15 Dec 2024

Accepted: 13 Mar 2025

Available online: 16 May 2025

Article Type: Research Article

Keywords

Honor Aggression; Victim Blame; Culture of Honor; Moral Judgement

Corresponding Author*

Pegah Nejat received her Ph.D. in Psychology from Shahid Beheshti University. She is currently an Assistant Professor of Social Psychology at Shahid Beheshti University. Her research interests include social psychology and more specifically, moral psychology, social perception, and implicit social cognition. Correspondence concerning this article should be addressed to Dr. Nejat, Department of Psychology, Faculty of Education and Psychology, Shahid Beheshti University, Shahid Chamran Highway, Yaman St., Shahid Shahriari Sq, Daneshjou Blvd., Tehran, Postal Code: 1983969411.

ORCID: 0000-0003-1410-9720

E-mail: p_nejat@sbu.ac.ir

doi: 10.29252/bjcp.18.2.71

ABSTRACT

One of the dimensions of cross-cultural difference is known as culture of honor in the literature, according to which familial purity and honor are highly valued. However, this cultural belief can predispose men to aggression especially in the face of honor violations. Accordingly, the purpose of this study was to examine the contribution of masculine honor beliefs to judgements of perpetrators and victims of honor aggression. Participants were 348 Iranians (68.7% female, mean age=27.74 years) who responded to four honor aggression scenarios as well as the Masculine Honor Beliefs Scale. After each scenario, moral judgement of victim's and perpetrator's acts, justifiability of the perpetrator's act, and victim blame were assessed. To analyze data, multivariate multiple regression analysis was used in which demographics and masculine honor beliefs served as predictors while judgements of perpetrators and victims of honor aggression were designated as criterion variables. Masculine honor beliefs predicted immorality of the victim's act, victim blame, and perpetrator justifiability in a positive, but immorality of the perpetrator's act in a negative direction. Among demographic variables, religiosity predicted the four criterion variables in a similar direction to but independent from masculine honor beliefs. Present findings point to the prominent role of masculine honor beliefs, as a cultural value, in determining judgements of honor aggressions.

Citation: Nejat, P., Mirghasemi, R., Zarrinrad, E., & Heirani Tabas, A. (2023/1402). Belief in Culture of Honor and Judgements about Perpetrators and Victims of Honor Aggression. *Contemporary Psychology*, 14(2), 71-78. Doi: [10.29252/bjcp.18.2.71](https://doi.org/10.29252/bjcp.18.2.71)

باور فرهنگ افتخار و قضاوت در مورد عاملان و قربانیان خشونت‌های ناموسی

پگاه نجات^{۱*}، ریحانه میرقاسمی^۲، احسان زرین راد^۲، علی حیرانی طبس^۳

^۱ استادیار، گروه روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

^۲ کارشناسی روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

^۳ کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

اطلاعات مقاله

دریافت: ۱۰ اسفند ۱۴۰۲

اصلاح نهایی: ۲۵ آذر ۱۴۰۳

پذیرش: ۲۳ اسفند ۱۴۰۳

انتشار آنلاین: ۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۴

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

کلیدواژه‌ها

خشونت ناموسی؛ سرزنش قربانی؛ فرهنگ افتخار؛ قضاوت اخلاقی

نویسنده مسئول*

پگاه نجات درجه دکتری روان‌شناسی خود را از دانشگاه شهید بهشتی دریافت کرد. در حال حاضر او استادیار روان‌شناسی اجتماعی دانشگاه شهید بهشتی است. علایق پژوهشی ایشان روان‌شناسی اجتماعی و به ویژه روان‌شناسی اخلاق، ادراک اجتماعی و شناخت اجتماعی ضمنی است. برای مکاتبه در مورد این مقاله با دکتر نجات، گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، بزرگراه شهید چمران، خیابان یمن، میدان شهید شهریار، بلوار دانشجو، کدپستی ۱۹۸۳۹۶۹۴۱۱ تماس داشته باشید.

ارکید: ۹۷۲۰-۱۴۱۰-۰۰۰۳-۰۰۰۰

پست الکترونیکی: p_nejat@sbu.ac.ir

چکیده

یکی از ابعاد تفاوت بین فرهنگ‌ها به نام فرهنگ افتخار در ادبیات شناخته شده است که بنا بر آن، شرافت و آبروی خانوادگی، ارزش‌های بسیار مهمی محسوب می‌شوند. با این حال، این باور فرهنگی می‌تواند زمینه‌ساز پرخاشگری مردان به خصوص در مواجهه با رویدادهای ناموسی باشد. بر این اساس، هدف از پژوهش حاضر شناسایی نقش باور افتخار مردانه در پیش‌بینی قضاوت در مورد عاملان و قربانیان خشونت‌های ناموسی بود. طرح پژوهش حاضر از نوع همبستگی بود. شرکت‌کنندگان ۳۴۸ نفر ایرانی (۶۸/۷ درصد زن، میانگین سنی ۲۷/۷۴ سال) بودند که به چهار داستانک با محتوای خشونت ناموسی و نیز پرسش‌نامه باور افتخار مردانه پاسخ دادند. بعد از هر داستانک، سوال‌هایی با موضوع قضاوت اخلاقی در مورد عمل قربانی و عمل عامل، توجیه‌پذیری عمل عامل و نیز سرزنش قربانی از افراد پرسیده شد. به منظور تحلیل داده‌ها از روش رگرسیون چندگانه چندمتغیری استفاده شد که در آن، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و باور افتخار مردانه به عنوان متغیرهای پیش‌بین و قضاوت در مورد عاملان و قربانیان خشونت‌های ناموسی به عنوان متغیرهای ملاک لحاظ شدند. باور افتخار مردانه غیراخلاقی دانستن عمل قربانی، سرزنش قربانی و توجیه‌پذیری عمل عامل را به طور مثبت، اما غیراخلاقی دانستن عمل عامل را به طور منفی پیش‌بینی نمود. از میان متغیرهای جمعیت‌شناختی نیز دین‌داری در جهتی مشابه با باور افتخار مردانه اما مستقل از آن، چهار متغیر ملاک را پیش‌بینی نمود. یافته‌های حاضر مؤید نقش برجسته باور افتخار مردانه به عنوان یک ارزش فرهنگی در تعیین قضاوت در مورد خشونت‌های ناموسی به عنوان یکی از آسیب‌های اجتماعی است.

مقدمه

فرهنگ‌های دنیا از نظر ابعاد متنوعی با یکدیگر متفاوت هستند و این تفاوت‌ها می‌تواند بر گرایش‌های رفتاری، باورها و ارزش‌های مردان و زنان و نحوه ارتباط آنها با یکدیگر تأثیرگذار باشد. یکی از این ابعاد تنوع فرهنگی فرهنگ افتخار^۱ است. جوامعی که در آنها شرافت و آبروی فردی و خانوادگی ارزش‌های اصلی محسوب می‌شوند به عنوان فرهنگ افتخار شناخته و توصیف شده‌اند (کوهن، ۱۹۹۸).

مشخصه فرهنگ‌های افتخار در سراسر جهان، اهمیت آبرو و حفظ و دفاع از آبرو در سطح فردی و جمعی است (براون، ۲۰۱۶). فرهنگ افتخار در تقویت این باور نقش دارد که آبروی خانواده با میزان اطاعت زنان از ارزش‌های اخلاقی مرتبط است و نقض این ارزش‌ها منجر به پرخاشگری در مردان می‌شود (بناویدز و همکاران، ۲۰۱۶). باور افتخار مردانه^۲ بیانگر آن است که پرخاشگری مرد گاهی مناسب، قابل توجیه

¹ culture of honor

² masculine honor beliefs

و حتی به عنوان پاسخی به تحریک‌ها ضروری است (ساسیر و همکاران، ۲۰۱۶).

در جوامعی که باور افتخار مردانه رایج است از مردی که مورد توهین قرار گرفته‌است انتظار می‌رود که با خشونت به توهین پاسخ دهد، زیرا اگر این کار را انجام ندهد شخصیت مردانه وی زیر سوال می‌رود (کوهن و نیسبت، ۱۹۹۴). در مورد جوامعی که فرهنگ افتخار در آنها رایج است سه پیش‌بینی ارائه شده‌است (وندلو و کوهن، ۲۰۰۳): نخست آنکه خیانت زن به آبروی مرد آسیب‌زننده، دوم آنکه آبروی از دست رفته مرد ممکن است از طریق خشونت بازسازی شود و سوم آنکه از زن انتظار می‌رود که با وجود خشونت مرد در رابطه باقی بماند و سکوت اختیار کند. ساکنان ایالت‌های جنوبی آمریکا که تأکید بالایی بر فرهنگ افتخار دارند، در مقابله با توهین تغییرهای شناختی، هیجانی، رفتاری و فیزیولوژیک بیشتری مرتبط با پرخاشگری نشان دادند و با احتمال بیشتری بیان کردند که آبروی مردانه آنها مورد تهدید قرار گرفته‌است (کوهن و همکاران، ۱۹۹۶).

در طول تاریخ، خشونت‌های ناموسی که عموماً توسط عاملان مذکر نسبت به قربانیان مونث اعمال شده‌است به‌زیستی و جان بسیاری از زنان را به مخاطره انداخته‌است. قتل ناموسی زنان که یکی از شدیدترین شکل‌های خشونت خانگی است، اغلب توسط یکی از مردان خانواده به بهانه حفظ آبرو یا حیثیت خانواده صورت گرفته‌است (دیلی و سینگ، ۲۰۲۳). آمارهای جهانی بیانگر آن است که حدود یک تا سه نفر (۳۰ درصد) از زنان در سرتاسر جهان در معرض خشونت فیزیکی یا جنسی شریک صمیمی خود قرار گرفته‌اند (تیلور، ۲۰۲۳). وجود فرهنگ افتخار مردانه در یک جامعه، احتمال بروز خشونت علیه زنان را افزایش می‌دهد. به عنوان نمونه، آمار رسمی قتل خانگی و تجاوز و گزارش تجربه خشونت در رابطه در ایالت‌های شناخته شده با فرهنگ افتخار در آمریکا بالاتر از سایر ایالت‌های این کشور بوده‌است (براون و همکاران، ۲۰۱۸).

باور به فرهنگ افتخار همچنین با قضاوت و نگرش نسبت به عاملان و قربانیان خشونت‌های ناموسی مرتبط شناخته شده‌است. برای نمونه، مردانی که قاطعانه به تهدید و توهین پاسخ دادند توسط افرادی که باورهای افتخار مردانه بالاتری داشتند مثبت‌تر ارزیابی شدند (اودی و همکاران، ۲۰۱۸). همچنین، افراد دارای باورهای افتخار مردانه نگرش منفی قوی‌تری نسبت به زنانی که مورد تجاوز قرار گرفته بودند ابراز نمودند (ساسیر و همکاران، ۲۰۱۵). گال و شوستر (۲۰۲۰) در مطالعه‌ای بین فرهنگی، شرکت‌کنندگان ترکیه‌ای (دارای فرهنگ افتخار) را نسبت به آلمانی‌ها و انگلیسی‌ها (که سنت قوی افتخار ندارند) متمایل‌تر به سرزنش قربانیان خشونت جنسی و تبرئه متجاوزان جنسی یافتند. به علاوه، این پژوهشگران دریافتند که در میان شرکت‌کنندگان هر سه کشور، مردان بیشتر از زنان قربانیان خشونت جنسی را سرزنش

و متجاوزان را تبرئه می‌کنند. در پژوهشی دیگر در ترکیه، تکیه بر هنجارهای افتخار سرزنش بیشتر قربانیان خشونت جنسی را پیش‌بینی نمود (اوزتمور و توپلو دمیرتاش، ۲۰۲۳). بنا بر یافته‌های مطالعه بالدری و همکاران (۲۰۱۳) روی افسران پلیس افغان (فرهنگ دیگری واجد سنت قوی افتخار)، اعتراف زن قربانی خشونت به خیانت در رابطه با شریک صمیمی نزدیکی، نگرش سهل‌گیرانه‌تری نسبت به خشونت علیه وی را در این افسران برانگیخت که به نوبه خود منجر به کاهش قصد آنان برای دستگیری مرد اعمال‌کننده خشونت و نیز حمایت از زن قربانی خشونت شد. در ایران، سرزنش قربانیان آزار جنسی رابطه قوی با ارزش غیرت داشت و توسط دین‌داری و تأکید بر ارزشمندی حیا برای زنان پیش‌بینی شد (کریمی ملک‌آبادی و فلاحت‌پیشه بابلی، ۲۰۲۰). مفاهیم فرهنگی غیرت و حیا که در مطالعه مورد اشاره مدنظر قرار گرفته‌اند از نظر محتوا با باور به فرهنگ افتخار اشتراک دارند.

علی‌رغم انجام مطالعه‌ها پیرامون باور به فرهنگ افتخار در کشورهای از نظر فرهنگی مشابه با ایران مانند ترکیه (اوزتمور و توپلو دمیرتاش، ۲۰۲۳؛ اوسکول و همکاران، ۲۰۱۵)، و نیز سابقه رخداد خشونت‌های ناموسی در ایران، مطالعه‌های روان‌شناختی اندکی با موضوع باور به فرهنگ افتخار در میان ایرانیان انجام شده‌است. بر این اساس، هدف از پژوهش حاضر تعیین نقش باور افتخار مردانه در پیش‌بینی قضاوت در مورد عاملان و قربانیان خشونت‌های ناموسی از سمت مردان نسبت به زنان است. به طور خاص‌تر، چهار متغیر قضاوت اخلاقی در مورد عمل مرد عامل خشونت ناموسی، قضاوت اخلاقی در مورد عمل زن قربانی خشونت ناموسی، سرزنش زن قربانی این خشونت و توجیه‌پذیری عمل مرد عامل این خشونت مدنظر قرار گرفتند. با اتکا بر ادبیات مرور شده پیرامون باور به فرهنگ افتخار مردانه، نظر به اینکه براساس این باور، خشونت مردان در پاسخ به تخطی‌های ناموسی از سوی زنان امری ضروری برای حفظ اعتبار و آبروی ایشان تلقی می‌شود، انتظار بر این است که باور بیشتر به فرهنگ افتخار مردانه پیش‌بین سرزنش بیشتر قربانی خشونت ناموسی و غیراخلاقی‌تر قضاوت نمودن عمل وی، در کنار توجیه‌پذیرتر ادراک نمودن عمل عامل این خشونت و کمتر غیراخلاقی قضاوت نمودن عمل وی باشد.

روش

شرکت‌کنندگان

طرح پژوهش حاضر از نوع همبستگی بود که در آن، چهار متغیر مرتبط با قضاوت در مورد عاملان و قربانیان خشونت‌های ناموسی توسط باور افتخار مردانه و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مورد پیش‌بینی قرار گرفتند. گروه نمونه پژوهش مشتمل بر ۳۴۸ نفر (۶۸/۷ درصد زن

در تحلیل مولفه‌های اصلی با هفت عامل انتخاب شدند و در تحلیل عاملی تاییدی برازش مدل حاصل از گزاره‌های انتخابی با داده‌ها خوب ارزیابی شد و از مدل‌های رقیب دو و تک عاملی وضع بهتری داشت. در چهار مطالعه پژوهش ساسیر و همکاران، همسانی درونی خرده‌مقیاس‌ها بین ۰/۶۱ تا ۰/۸۸ و کل مقیاس بین ۰/۹۰ تا ۰/۹۳ متغیر بود. ضریب پایایی بازآزمایی نیز ۰/۸۰ و در نتیجه مطلوب بود. مقیاس باور افتخار مردانه همچنین مطابق انتظار (روایی همگرا) با گرایش به پرخاشگری و سایر مقیاس‌های باور افتخار رابطه داشت، اما با عزت نفس و محافظه‌کاری سیاسی مرتبط نبود (روایی واگرا). در پژوهش حاضر، آلفای کرونباخ این پرسش‌نامه به تفکیک خرده مقیاس‌ها عبارت از محافظت ۰/۷۷، غرور مردانه، ۰/۷۰، شجاعت مردانه ۰/۷۹، فضیلت اخلاقی ۰/۶۰، اجتماعی شدن ۰/۶۱، تحریک/توهین ۰/۸۹ و پیوندهای خانواده و جامعه ۰/۶۵ بود. آلفای کرونباخ برای کل گزاره‌های پرسش‌نامه نیز ۰/۹۱ به دست آمد و در نتیجه از همسانی درونی مطلوبی برخوردار بود. در پژوهش حاضر از نمره کل این پرسش‌نامه در تحلیل‌ها استفاده شد که با میانگین گرفتن از نمره تمام گزاره‌ها به دست آمد.

داستانک‌های خشونت ناموسی: به منظور سنجش قضاوت‌ها

پیرامون خشونت‌های ناموسی، شرکت‌کنندگان به چهار داستانک محقق ساخته با محتوای خشونت ناموسی مرد نسبت به زن پاسخ دادند. در هر داستانک، یکی از بستگان مذکر یک خانم (پدر یا همسر) وی را در نتیجه یک رویداد با محتوای جنسی مورد خشونت فیزیکی قرار می‌داد. نمونه‌ای از این داستانک‌ها از این قرار است: «سارا به اجبار خانواده‌اش با مردی که چندان مورد علاقه‌اش نبود ازدواج کرد؛ پس از مدتی به طور پنهانی از خانه این مرد فرار می‌کند تا زندگی مستقلی را برای خودش آغاز کند. همسرش به دنبال او می‌گردد و پس از یافتن وی او را مورد ضرب و شتم قرار داده و در خانه حبس می‌کند». در این داستانک نمونه، قربانی خشونت سارا و عامل خشونت همسر وی است. بعد از هر داستانک، چهار سوال با موضوع قضاوت اخلاقی در مورد عمل قربانی، قضاوت اخلاقی در مورد عمل عامل، توجیه‌پذیری عمل عامل و نیز سرزنش قربانی از افراد پرسیده شد. در دو سوال مربوط به قضاوت اخلاقی از پاسخ‌گویان خواسته شد که بیان کنند عمل هر کدام از دو فرد عامل و قربانی خشونت را به چه میزان غیراخلاقی می‌دانند.

در سوال توجیه‌پذیری عمل عامل از افراد خواسته شد که مشخص کنند عمل فرد عامل را چقدر قابل توجیه می‌دانند. در سوال مربوط به سرزنش قربانی نیز از افراد پرسیده شد که قربانی را چقدر

و باقی مرد) با میانگین سنی ۲۷/۷۴ و انحراف استاندارد ۹/۱۰ سال در بازه سنی ۱۷ تا ۵۶ ساله بودند که با روش نمونه‌گیری در دسترس در بازه زمانی فروردین تا تیر ۱۴۰۱ و به طور آنلاین در پی انتشار لینک در شبکه‌های اجتماعی در این مطالعه شرکت نمودند. ملاک ورود به مطالعه ایرانی بودن، سکونت در ایران و داشتن حداقل ۱۷ سال سن بود که در توضیحات ابتدایی مطالعه قید شد. میانگین دین‌داری شرکت‌کنندگان روی مقیاسی از ۱ (اصلاً یا بسیار کم) تا ۵ (بسیار زیاد) ۲/۸۳ با انحراف استاندارد ۱/۰۶ بود. از نظر سطح تحصیلات، اکثریت افراد در مقطع کارشناسی (۶۱/۵ درصد) یا کارشناسی ارشد (۲۰/۴ درصد) مشغول به تحصیل بودند و باقی به ترتیب دیپلم (۸/۶ درصد)، دکترای حرفه‌ای (۴/۰ درصد)، دکترای تخصصی (۲/۹ درصد)، کاردانی (۱/۴ درصد) و زیر دیپلم (۰/۹ درصد) بودند. از نظر سطح اقتصادی، ۱/۱ درصد بسیار پایین‌تر از متوسط، ۹/۲ درصد کمی پایین‌تر از متوسط، ۴۴/۳ درصد متوسط، ۴۰/۸ درصد کمی بالاتر از متوسط و ۴/۳ درصد بسیار بالاتر از متوسط و یک نفر (۰/۳ درصد) دارای داده غایب بودند.

ابزار سنجش

پرسش‌های جمعیت‌شناختی: ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مورد

سوال در پژوهش حاضر عبارت از سن، جنسیت، سطح تحصیلات و دین‌داری بود. به منظور سنجش دین‌داری از افراد خواسته شد روی طیفی از ۱ (اصلاً یا بسیار کم) تا ۵ (بسیار زیاد) مشخص کنند خود را به چه میزان دین‌دار می‌دانند.

پرسش‌نامه باور/افتخار مردانه^۱: به منظور سنجش باور افتخار

مردانه از پرسش‌نامه باور افتخار مردانه (ساسیر و همکاران، ۲۰۱۶) استفاده شد که با روش ترجمه-ترجمه معکوس توسط پژوهشگران مطالعه حاضر به فارسی برگردانده شد. این پرسش‌نامه دارای ۳۵ سوال و هفت خرده‌مقیاس به نام‌های شجاعت مردانه^۲، غرور مردانه^۳، اجتماعی شدن^۴، فضیلت اخلاقی^۵، تحریک/توهین^۶، پیوندهای خانواده و جامعه^۷، و محافظت^۸ است و هر خرده مقیاس نیز پنج گزاره دارد. نمونه گزاره‌ها عبارت از «یک مرد نباید از دعوا کردن بترسد»، از خرده مقیاس شجاعت مردانه و «یک مرد باید هر کاری که لازم است برای محافظت از همسرش انجام دهد»، از خرده مقیاس محافظت هستند. پاسخ‌گویان میزان موافقت خود را با هر کدام از گزاره‌ها روی طیفی از ۱ (بسیار مخالفم) تا ۵ (بسیار موافقم) مشخص کردند. در پژوهش ساسیر و همکاران (۲۰۱۶) به منظور تدوین این مقیاس، از میان مخزنی از ۱۳۰ گزاره اولیه، گزاره‌های دارای بالاترین بارهای عاملی

^۱ virtue

^۲ provocation/insult

^۳ family and community bonds

^۴ protection

^۱ Masculine Honor Beliefs Scale (MHBS)

^۲ masculine courage

^۳ pride in manhood

^۴ socialization

توجیه‌پذیری عمل عامل، قضاوت اخلاقی در مورد عمل عامل و قضاوت اخلاقی در مورد عمل قربانی به عنوان متغیرهای ملاک مدنظر قرار گرفتند، در حالیکه سن، جنسیت، دین‌داری و باور افتخار مردانه به عنوان متغیرهای پیش‌بین در تحلیل لحاظ شدند.

نتایج

جدول (۱) آمار توصیفی و همبستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهش حاضر مشتمل بر قضاوت اخلاقی در مورد عمل عامل، قضاوت اخلاقی در مورد عمل قربانی، سرزنش قربانی، توجیه‌پذیری عمل عامل، باور فرهنگ افتخار مردانه و دین‌داری را ارائه می‌دهد. چنانکه ملاحظه می‌شود، باور افتخار مردانه رابطه مثبت و معنادار با غیراخلاقی دانستن عمل قربانی، سرزنش قربانی و توجیه‌پذیری عمل عامل داشت. در مقابل، بین باور افتخار مردانه و غیراخلاقی دانستن عمل عامل رابطه منفی وجود داشت. به طور مشابه، دین‌داری نیز رابطه مثبت و معنادار با غیراخلاقی دانستن عمل قربانی، سرزنش قربانی و توجیه‌پذیری عمل عامل داشت.

در مقابل، بین دین‌داری و غیراخلاقی دانستن عمل عامل رابطه منفی وجود داشت. در نهایت، بین باور افتخار مردانه و دین‌داری رابطه مثبت معنادار اما ضعیف وجود داشت. در خصوص روابط بین متغیرهای قضاوت در مورد عامل و قربانی، غیراخلاقی دانستن عمل عامل رابطه منفی با غیراخلاقی دانستن عمل قربانی، سرزنش قربانی و توجیه‌پذیری عمل عامل داشت، درحالیکه غیراخلاقی دانستن عمل قربانی، سرزنش قربانی و توجیه‌پذیری عمل عامل روابط مثبت با یکدیگر داشتند. تمامی روابط مورد اشاره بین متغیرهای قضاوتی معنادار و از نظر اندازه متوسط تا قوی بودند.

مقصر می‌دانند. پاسخ به هر چهار سوال روی طیفی از ۱ (اصلاً یا بسیار کم) تا ۷ (بسیار زیاد) متغیر بود. آلفای کرونباخ مربوط به چهار سوال بالا برای چهار داستانک بین ۰/۶۰ تا ۰/۷۵ متغیر بود. به منظور بررسی روایی صوری داستانک‌ها از پنج نفر متخصص روان‌شناسی خواسته شد در این مورد که داستانک‌ها تا چه حد بیانگر خشونت مرد نسبت به زن با موضوع ناموسی هستند قضاوت کنند. پاسخ‌های این افراد که دارای میانگین ۵ روی مقیاسی از ۱ تا ۵ برای هر چهار داستانک بود بیانگر آن است که داستانک‌ها از روایی صوری مطلوب برخوردار بودند.

شیوه اجرا

نحوه شرکت در این مطالعه به صورت آنلاین بود. پیش از شرکت در مطالعه از تمامی شرکت‌کنندگان رضایت مطلعانه^۱ دریافت شد که در آن به محرمانه، ناشناس و محفوظ ماندن داده‌ها و استفاده از آنها تنها در پژوهش حاضر و نیز کلیت موضوع و مدت زمان موردنیاز برای پاسخگویی به سوال‌ها، اختیاری بودن شرکت در مطالعه و امکان خروج از مطالعه در هر زمان دلخواه اشاره شده بود. شرکت‌کنندگان پس از ورود به لینک مطالعه، ابتدا به چهار داستانک خشونت ناموسی پاسخ دادند، به این ترتیب که در هر مورد، بعد از مطالعه داستانک، به سوال‌های پیرامون میزان غیراخلاقی بودن عمل فرد عامل، میزان غیراخلاقی بودن عمل فرد قربانی، میزان قابل توجیه بودن عمل فرد عامل، و میزان مقصر بودن فرد قربانی پاسخ دادند. پس از اتمام بخش داستانک‌ها، شرکت‌کنندگان به پرسش‌نامه فرهنگ افتخار مردانه و در نهایت در انتهای مطالعه به سوال‌های جمعیت‌شناختی پاسخ دادند. مدت زمان پاسخگویی به کل سوالات در مجموع شرکت‌کنندگان به طور میانگین ۱۵ دقیقه بود.

به منظور تحلیل آماری داده‌ها از روش تحلیل رگرسیون چندگانه چندمتغیری^۲ استفاده شد که در آن، متغیرهای سرزنش قربانی،

جدول ۱. آمار توصیفی و همبستگی بین متغیرهای پژوهش

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	میانگین	انحراف استاندارد
۱. غیراخلاقی دانستن عمل عامل	-						۵/۳۸	۱/۰۶
۲. غیراخلاقی دانستن عمل قربانی	-۰/۳۴**	-					۳/۸۸	۰/۸۷
۳. سرزنش قربانی	-۰/۳۷**	-۰/۷۶**	-				۳/۸۴	۰/۹۲
۴. توجیه‌پذیری عمل عامل	-۰/۶۱**	-۰/۴۲**	-۰/۴۲**	-			۳/۳۲	۱/۱۹
۵. باور افتخار مردانه	-۰/۳۹**	-۰/۳۴**	-۰/۳۸**	-۰/۳۸**	-		۲/۹۸	۰/۴۶
۶. دین‌داری	-۰/۲۳**	-۰/۴۳**	-۰/۳۷**	-۰/۲۶**	-۰/۲۵**	-	۲/۸۳	۱/۰۶

** $p < 0.01$, $N = 348$

^۱ informed consent

^۲ multivariate multiple regression analysis

نظر به وجود روابط همبستگی معنادار در بازه متوسط تا قوی بین غیراخلاقی دانستن عمل عامل، غیراخلاقی دانستن عمل قربانی، سرزنش قربانی و توجیه‌پذیری عمل عامل، به منظور تعیین نحوه پیش‌بینی شدن این متغیرها توسط ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و باور افتخار مردانه، از تحلیل رگرسیون چندگانه چندمتغیری استفاده شد. علاوه بر این، به منظور تعیین نقش باور افتخار مردانه و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی در پیش‌بینی تک تک قضاوت‌ها پیرامون عامل و قربانی خشونت ناموسی، از چهار تحلیل رگرسیون چندگانه تک‌متغیری جداگانه نیز استفاده شد. در خصوص پیش‌فرض‌های این رگرسیون‌ها، کجی و کشیدگی تمام متغیرها زیر ۱ بود (کجی‌ها بین ۰/۴۰ تا ۰/۱۸ و کشیدگی‌ها بین ۰/۵۵ تا ۰/۵۱) و در هیچ موردی بیشتر از دو برابر خطای استاندارد خود نبود که در نتیجه بیانگر مناسب بودن آن است (مایلز و شولین، ۲۰۰۸/۲۰۰۱). علاوه بر این، خطی بودن رابطه بین متغیرها با استاد به نمودار پراکندگی متغیرهای پیش‌بین و ملاک با هم برقرار بود. توزیع باقی‌مانده‌ها با استاد به نمودارهای مربوط به باقی‌مانده‌ها نرمال بود و همگنی باقی‌مانده‌ها نیز برقرار بود. شاخص دوربین واتسون برای چهار رگرسیون بین ۱/۹۰ تا ۲/۱۰ بود که به دلیل نزدیکی به ۲ بیانگر استقلال باقی‌مانده‌ها است. بالاترین عامل تورم واریانس^۱ برای متغیرهای پیش‌بین نیز ۱/۲۳ بود که چون زیر ۲

متغیر ملاک

متغیر پیش‌بین	غیراخلاقی دانستن عمل قربانی				غیراخلاقی دانستن عمل عامل				سرزنش قربانی				توجیه‌پذیری عمل عامل			
	ضرب استاندارد	خطای استاندارد	همبستگی تفکیکی	همبستگی نیمه تفکیکی	ضرب استاندارد	خطای استاندارد	همبستگی تفکیکی	همبستگی نیمه تفکیکی	ضرب استاندارد	خطای استاندارد	همبستگی تفکیکی	همبستگی نیمه تفکیکی	ضرب استاندارد	خطای استاندارد	همبستگی تفکیکی	همبستگی نیمه تفکیکی
جنسیت	-۰/۰۳	۰/۱۰	-۰/۰۳	-۰/۰۳	-۰/۰۰	۰/۱۲	-۰/۰۰	-۰/۰۰	-۰/۰۰	۰/۱۳***	-۰/۰۱	-۰/۰۰	-۰/۰۰	-۰/۰۳	۰/۱۴	-۰/۰۳
سن	-۰/۰۷	۰/۰۱	-۰/۰۸	-۰/۰۷	-۰/۰۹	۰/۰۱	-۰/۰۹	-۰/۰۸	-۰/۰۸	۰/۱۳***	-۰/۰۱	-۰/۰۱	-۰/۰۸	-۰/۰۱	۰/۰۹	-۰/۰۸
دین‌داری	۰/۳۳***	۰/۰۴	۰/۳۵	۰/۳۲	-۰/۱۳*	۰/۰۵	-۰/۱۳	-۰/۱۲	۰/۳۶***	-۰/۰۴	۰/۳۷	۰/۳۵	۰/۱۵**	۰/۰۶	۰/۱۵	۰/۱۴
باور افتخار مردانه	۰/۲۶***	۰/۱۰	۰/۲۶	۰/۲۴	-۰/۳۶***	۰/۱۳	-۰/۳۳	-۰/۳۲	۰/۳۰***	-۰/۱۰	۰/۳۰	۰/۲۷	۰/۳۵***	۰/۱۴	۰/۳۳	۰/۳۱
مجذور همبستگی	۰/۲۵***				۰/۱۸***				۰/۲۲***						۰/۱۸***	

سن غیراخلاقی دانستن عمل قربانی، غیراخلاقی دانستن عمل عامل و توجیه‌پذیری عمل عامل را پیش‌بینی نکرد، اما پیش‌بین معنادار و مثبتی برای سرزنش قربانی بود، به گونه‌ای که افراد مسن‌تر سرزنش بیشتری را نثار قربانی کردند. دین‌داری پیش‌بین معناداری برای هر چهار متغیر قضاوتی البته در جهاتی متفاوت با یکدیگر بود، به گونه‌ای که افراد دین‌دارتر عمل قربانی را غیراخلاقی‌تر دانسته، قربانی را بیشتر سرزنش کرده و عمل عامل را توجیه‌پذیرتر دانستند، اما از سوی دیگر، عمل عامل را کمتر غیراخلاقی تلقی نمودند. در نهایت این‌که، باور افتخار مردانه نیز مشابه با دین‌داری هر چهار متغیر قضاوتی را به طور

۷۶

بحث

پیرامون عاملان و قربانیان خشونت‌های ناموسی توسط نقش محوری تقدس و پاک نگه داشتن جسم از آرایش‌ها در دین، و ادراک از مورد تخطی قرار گرفتن آن توسط زنان در جریان رویدادهای ناموسی قابل توضیح باشد. این یافته همسو با مطالعه کریمی ملک‌آبادی و فلاح-پیشه بابلی (۲۰۲۰) است که دین‌داری را در کنار تأکید بر ارزشمندی حیا پیش‌بین سرزنش قربانیان آزار جنسی یافتند. در خصوص سایر متغیرهای جمعیت‌شناختی، بنا بر یافته‌های پژوهش حاضر، سن و جنسیت نقشی در پیش‌بینی مجموع قضاوت‌ها پیرامون عامل و قربانی خشونت‌های ناموسی ایفا نکردند. یافته به دست آمده در خصوص عدم تبیین‌گری جنسیت ناهمسو با یافته مطالعه گال و شوستر (۲۰۲۰) است که در آن، زنان بیشتر از مردان عامل خشونت جنسی را غیراخلاقی قضاوت نموده و قربانی خشونت را کمتر سرزنش نمودند. به منظور توضیح دادن این تفاوت در یافته‌ها بین این دو مطالعه می‌توان این احتمال را مطرح نمود که روابط بین جنسیت و قضاوت پیرامون عاملان و قربانیان خشونت در پژوهش حاضر توسط باور افتخار مردانه تبیین شده باشد.

یک محدودیت پژوهش حاضر اجرای آن در قالب مطالعه‌ای آنلاین است که در نتیجه آن، تعمیم یافته‌ها به افرادی که به اینترنت دسترسی ندارند یا کاربر شبکه‌های اجتماعی که تبلیغ در آنها صورت گرفته بود نیستند به طور بالقوه محدود می‌شود. از جمله پیشنهادها قابل ارائه، بررسی نقش سایر باورهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در پیش‌بینی قضاوت در مورد عاملان و قربانیان خشونت‌های ناموسی است. علاوه بر این، از آنجا که دین‌داری سازه‌ای چندبعدی و دارای انواع و گرایش‌های مختلف است (تیلیوپولوس و همکاران، ۲۰۰۷)، بررسی رابطه آن با قضاوت در مورد عاملان و قربانیان خشونت‌های ناموسی به تفکیک این ابعاد و گرایش‌ها به پژوهشگران آتی پیشنهاد می‌شود.

پژوهش حاضر با هدف تعیین نقش باور به فرهنگ افتخار مردانه در پیش‌بینی قضاوت‌ها پیرامون عاملان و قربانیان خشونت‌های ناموسی توسط مردان نسبت به زنان انجام شد. بنا بر یافته‌ها، باور افتخار مردانه غیراخلاقی دانستن عمل قربانی، سرزنش قربانی و توجیه‌پذیری عمل عامل را به طور مثبت، اما غیراخلاقی دانستن عمل عامل را به طور منفی پیش‌بینی نمود. به عبارت دیگر، همچنان‌که انتظار می‌رفت، افرادی که باور قوی‌تری به فرهنگ افتخار مردانه داشتند عمل عاملان به خشونت ناموسی را کمتر غیراخلاقی و بیشتر قابل توجیه قضاوت کردند، درحالی‌که عمل قربانیان خشونت ناموسی را بیشتر غیراخلاقی قضاوت نموده و مسئولیت بیشتری را متوجه وی دانستند. بدین ترتیب، یافته‌های حاضر، هم‌راستا با مطالعه‌های قبلی در سایر فرهنگ‌ها (اودی و همکاران، ۲۰۱۸؛ اوزتمور و توپلو دمیرتاش، ۲۰۲۳؛ بالدری و همکاران، ۲۰۱۳؛ ساسیر و همکاران، ۲۰۱۵؛ گال و شوستر، ۲۰۲۰)، مؤید نقش برجسته باور افتخار مردانه به عنوان یک ارزش فرهنگی در تعیین قضاوت‌ها پیرامون خشونت‌های ناموسی به عنوان یکی از آسیب‌های اجتماعی است.

از میان متغیرهای جمعیت‌شناختی، دین‌داری در جهتی مشابه با باور افتخار مردانه هر چهار متغیر مرتبط با قضاوت پیرامون عاملان و قربانیان خشونت‌های ناموسی را پیش‌بینی نمود. از سوی دیگر، نظر به اینکه هر کدام از دو متغیر دین‌داری و باور افتخار مردانه با کنترل دیگری قضاوت‌ها پیرامون عاملان و قربانیان خشونت ناموسی را پیش‌بینی نمودند، یافته حاضر بیانگر آن است که هر کدام سهم منحصر به فردی از قضاوت اخلاقی در مورد عامل و عمل قربانی، سرزنش قربانی و توجیه‌پذیری عمل عامل را تبیین می‌نمایند که مستقل از دیگری است. در خصوص دین‌داری می‌توان این تبیین را پیشنهاد نمود که روابط به دست آمده بین دین‌داری با قضاوت‌ها

قدردانی: نویسندگان مقاله حاضر از تمامی شرکت‌کنندگان در این مطالعه نهایت سپاس و قدردانی را دارند.

تعارض منافع: نویسندگان مقاله حاضر هیچ تعارض منافی ندارند.

حامی مالی: پژوهش حاضر بدون حمایت مالی انجام شد.

References

- Baldry, A. C., Pagliaro, S., & Porcaro, C. (2013). The rule of law at time of masculine honor: Afghan police attitudes and intimate partner violence. *Group Processes & Intergroup Relations*, 16(3), 363-374. <https://doi.org/10.1177/1368430212462492>
- Benavidez, T. M., Neria, A. L., & Jones, D. N. (2016). The Bond That Breaks: Closeness and Honor Predict Morality-Related Aggression. *Evolutionary Psychological Science*, 2, 140-148. <https://doi.org/10.1007/s40806-016-0044-x>
- Brown, R. P. (2016). *Honor bound: How a cultural ideal has shaped the American psyche*. New York, NY: Oxford University Press.
- Brown, R. P., Baughman, K., & Carvallo, M. (2018). Culture, masculine honor, and violence toward women. *Personality and*

- Social Psychology Bulletin*, 44(4), 538-549.
<https://doi.org/10.1177/0146167217744195>
- Cohen, D. (1998). Culture, social organization, and patterns of violence. *Journal of Personality and Social Psychology*, 75, 408-419. <https://doi.org/10.1037/0022-3514.75.2.408>
- Cohen, D., & Nisbett, R. E. (1994). Self-protection and the culture of honor: Explaining southern violence. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 20(5), 551-567. <https://doi.org/10.1177/0146167294205012>
- Cohen, D., Nisbett, R. E., Bowdle, B. F., & Schwarz, N. (1996). Insult, aggression, and the southern culture of honor: An "experimental ethnography". *Journal of Personality and Social Psychology*, 70(5), 945-960. <https://doi.org/10.1037/0022-3514.70.5.945>
- Dailey, J. D., & Singh, R. N. (2023, August 27). *honor killing*. *Encyclopedia Britannica*. <https://www.britannica.com/topic/honor-killing>
- Gul, P., & Schuster, I. (2020). Judgments of marital rape as a function of honor culture, masculine reputation threat, and observer gender: A cross-cultural comparison between Turkey, Germany, and the UK. *Aggressive Behavior*, 46(4), 341-353. <https://doi.org/10.1002/ab.21893>
- Karimi-Malekabadi, F., & Falahatpishe Baboli, M. (2023). Qeirat Values and Victim Blaming in Iran: The Mediating Effect of Culture-Specific Gender Roles. *Journal of Interpersonal Violence*, 38(3-4), 2485-2509. <https://doi.org/10.1177/08862605221101184>
- Miles, J., & Shevlin, M. (2008). *Applying Regression and Correlation: A Guide for Students and Researchers*. A. Kiamanesh & M. Kabiri, Trans.). Jahad Daneshgahi (Allame Tabatabaei University). (Original work published 2001).
- O'Dea, C. J., Chalman, S. T., Bueno, A. M. C., & Saucier, D. A. (2018). Conditional aggression: Perceptions of male violence in response to threat and provocation. *Personality and Individual Differences*, 131, 132-141. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2018.04.029>
- Öztemür, G., & Toplu-Demirtaş, E. (2023). Are the Paths to Victim-Blaming Paved with Hostile Sexism, Honor System Justification, and Fragile Masculinity? Evidence from Men in Turkey. *Sexuality & Culture*, 28, 168-186. <https://doi.org/10.1007/s12119-023-10109-8>
- Saucier, D. A., Stanford, A. J., Miller, S. S., Martens, A. L., Miller, A. K., Jones, T. L., & Burns, M. D. (2016). Masculine honor beliefs: Measurement and correlates. *Personality and Individual Differences*, 94, 7-15. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2015.12.049>
- Saucier, D. A., Till, D. F., Miller, S. S., O'Dea, C. J., & Andres, E. (2015). Slurs against masculinity: Masculine honor beliefs and men's reactions to slurs. *Language Sciences*, 52, 108-120. <https://doi.org/10.1016/j.langsci.2014.09.006>
- Taylor, J. (2023, May 10). *Combatting Gender-Based Violence - Pathfinder International*. Pathfinder International. <https://www.pathfinder.org/focus-areas/gender-based-violence/>
- Tiliopoulos, N., Bikker, A. P., Coxon, A. P., & Hawkin, P. K. (2007). The means and ends of religiosity: A fresh look at Gordon Allport's religious orientation dimensions. *Personality and Individual Differences*, 42(8), 1609-1620. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2006.10.034>
- Uskul, A. K., Cross, S. E., Günsoy, C., Gerçek-Swing, B., Alözkan, C., & Ataca, B. (2015). A price to pay: Turkish and Northern American retaliation for threats to personal and family honor. *Aggressive behavior*, 41(6), 594-607. <https://doi.org/10.1002/ab.21598>
- Vandello, J. A., & Cohen, D. (2003). *Cultural themes associated with violence against women: A cross-cultural analysis*. Unpublished manuscript, Princeton University.